

بیانیه ۱۴ کنشگر سیاسی، آینه‌ای در برابر اپوزیسیون، مسعود نقره کار

۱

انتشار "بیانیه تکمیلی" ۱۴ کنشگر سیاسی و مدنی در داخل کشور (۱) با واکنش‌های متفاوتی از سوی اپوزیسیون خارج از کشور مواجه شده است. بخش بزرگی از اپوزیسیون، که طیف متنوع و گسترده‌ای را شامل می‌شوند، از این بیانیه و تدوین کنندگان آن حمایت کرده‌اند. افراد و جریان‌هایی از طیف‌های سیاسی چپ، میانه و راست، با انتقاد به بیانیه و تدوین کنندگان آن اعلام کرده‌اند بیانیه مورد تائیدشان نیست. عده‌ای بیانیه را قبول دارند اما به تنی چند از امضاء کنندگان بیانیه "اعتماد" نمی‌کنند و به‌همین دلیل یا خود را کنار کشیده‌اند یا به فعالیت علیه آن چند تن که در اسارت حکومت اسلامی هستند، مشغول‌اند. برخی انتشار این بیانیه را کار دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی حکومت اسلامی، به عنوان "سوپاپ اطمینان"، "تله"، "تاکتیکی توهم آفرین"، و یا اقدامی با هدف تضعیف نیروهای اپوزیسیون در داخل و خارج از کشور، دانسته‌اند. افراد و جمع‌هایی سکوت کرده‌اند تا ببینند چه پیش خواهد آمد، و نتیجه چه خواهد شد تا به موقع پا به میدان بگذارند. البته جای پدیده "موج سواری" و "سهم خواهی" نیز در این میانه خالی نبوده است تا اینجای کار، و این دست برخوردها قابل درک و فهم است، اما آنچه که در این میانه اسباب تعجب و تحیر است میزان عصبانیت و پرخاشگری بخش "آچمز" شده اپوزیسیون در مقابل انتشار این بیانیه، به ویژه سیل حمایت از بیانیه در خارج کشور است.

چرا انتشار این بیانیه، حمایت وسیع از این بیانیه و مقاله‌ای کوتاه درباره نظریه "همه با هم، راه گذراز جمهوری اسلامی" که در پیوند با این بیانیه نوشته شده، سبب شده است جماعتی، به ویژه برخی از مرشدان و ریش سفیدان "جاسنگین" اپوزیسیون، دست به تحریف این نظر بزنند؟ چرا این افراد و جریان‌ها تلاش می‌کنند این "همه با هم" را با "همه با هم" خمینی مقایسه کنند و یکسان جا بزنند. چرا این جماعت کار و بارشان تخریب و تضعیف "کمیته حمایت از بیانیه ۱۴ کنشگر سیاسی داخل کشور" (۲) شده است؟ پاسخ و چرایی روشن است: فرقه گرائی و.... (۳)

۲

من در مقاله "همه با هم، راه گذراز جمهوری اسلامی"، نوشتم:
گفتمان "همه با هم" برای براندازی حکومت اسلامی تاکتیکی ست کارآ و اثربخش در پیوندی ارگانیک....
با استراتژی‌ای که رفاه، آزادی، همبستگی و عدالت برای مردم میهنمان به ارمغان خواهد آورد. "همه با هم" ای که نه یک پیوند حزبی و تشکیلاتی، و نه یک رابطه مکانیکی میان افراد و جمع‌ها ست. این همه

باهم بازتاب ایده و منافع یک طبقه یا گروه اجتماعی یا شخصیت سیاسی نیست، منافع میهن و مردم، منافع ملی چسب این " همه باهم" است، همه با هم" ای فرا ساختاری و فراحزبی، و نماد دموکراسی پلورالیستی که منافع ملی، رفاه عمومی و سعادت‌مندی مردم را هدف گرفته است. فقط " همه با هم" می‌توانند پروژه‌های کلان ملی را به موفقیت و پیروزی برسانند.

بدون پیشبرد سیاست " همه باهم" در مبارزه علیه حکومت اسلامی جمعی وقت و انرژی تلف خواهیم کرد، و جماعتی دیگر به خود ارضائی سیاسیِ چهل ساله ادامه خواهند داد. می‌توانیم با حفظ استقلال نظری و سیاسی و تشکیلاتی، بی آنکه هویت و ایده‌هایمان را نادیده انگاریم " همه با هم" در تفاهمی عمومی بر محور خواست‌های مشترک دموکراتیک گردهم آئیم و با برنامه و سازمان یافته در راستای تحقق ایده‌ها و خواست‌هایمان عمل کنیم. " همه با هم" وفاق و جنبش ملی را تقویت و مستحکم خواهد کرد، " همه باهم" ای که خواستار نفی و رد کامل حکومت اسلامی ست و آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، سکولاریسم و عدالت ملکه فکرش است، و به آن‌ها باور دارد و در راه تحقق آن‌ها گام برداشته است... " (۴)

!مخالفان نوشتند و گفتند، و می‌نویسند و می‌گویند، این همان " همه باهم" خمینی ست؟

دوستان! بروید بیش از ۱۰ مقاله‌ای که در نقد مقاله " همه با هم" نوشته شده است را بخوانید، و به مصاحبه‌های فرقه گرایانی که در طول این ۴ دهه فقط دور خود چرخ خورده‌اند گوش کنید تا چهره واقعی فرقه گرائی را بهتر بشناسید. در میان این مقاله‌ها و مصاحبه‌ها، غیر از یکی دوتای‌شان که نقد سازنده در لابلای مطلب و سخن‌شان دیده و شنیده می‌شود، مابقی را اگر بتکانید فقط " من" و " فرقه من" و " همه با من" زمین زیر پایتان را فرش خواهند کرد.

همه باهم" مطرح شده که چشم انداز شکل‌گیری یک جنبش دموکراسی خواهی و سکولار را فراروی ما" قرار خواهد داد با انحراف‌ها و اختلال‌های فکری، رفتاری و روانی فرقه گرائی (وسکتاریسم)، خودمحوری، خود حق‌پنداری و خود رهبرپنداری همخوان نبوده و نیست.

۳

فرقه گرایان " بیانیه" و تدوین‌کنندگان بیانیه، " کمیته حمایت از بیانیه" در خارج از کشور و حدود ۱۰۰۰ شخصیت و چهره سیاسی، فرهنگی، علمی و کنشگر سیاسی و فرهنگی و مدنی در خارج از کشور، که حمایت‌کننده بیانیه هستند را رقیب قدری برای خود و خطری برای اضمحلال فعالیت‌های چندین ساله‌شان پنداشته‌اند. پیامد چنین کژاندیشی و کوتاه بینی چیزی جز عصبانیت و پرخاشگری و دست بردن به تخریب و تحریف و حذف، نبوده است.

بیانیه ۱۴ کنشگر" توهم و خواب فرقه گرایان اپوزیسیون در خارج از کشور را برآشفته است، اینان نشان داده‌اند از این " نهیب" و بر آشفستگی برای گشودن چشم و بیداری نتوانسته‌اند بهره بگیرند، پس شایسته‌تر دانسته‌اند که به خیال خود به حذف رقیب، به هر شکلی که صلاح کارشان بوده و هست، کمر همت ببندند.

۴

فرقه گرایان مُبلغ و مروج نسبت و صفت " ۱۴ معصوم" به ۱۴ کنشگر شجاع، ونیز بیانیه را بیانیه " ۱۴ معصوم" خواندن، هستند. می‌توان دلایل بی اعتمادی و تردیدها و حدس و گمان‌ها جماعتی نا آگاه و مغرض را برای این نوع برجسب زنی‌ها فهمید، اما جاری شدن چنین نسبت و بیانی بر زبان و قلم فرقه گرایان، با هدف تحقیر و تخطئه اقدام شجاعانه و مدنی ۱۴ کنشگری که امروز اکثر آن‌ها در زندان و زیر شکنجه هستند، قابل توجیه نیست. این بیانیه و جمع سکولاری که تدوین کننده‌اش بوده‌اند، در برابر این نوع تبلیغ‌های رژیم پسند، بارها اعلام کرده‌اند که اعداد مشخصی در آغاز کار مورد نظرشان نبوده و "تعداد امضاء کنندگان این بیانیه ۱۶ نفر بودند که ۲ تن از عزیزان امضاء کننده بدلیلی نخواستند نام آن‌ها پای بیانیه بماند، ضمن اینکه آن دو تن هم اعلام کردند حامی بیانیه خواهند ماند. " علیرغم توضیح چندین باره این عزیزان هنوز برخورد تاسف بار از سوی فرقه گرایان را در بهره برداری از واژگان " ۱۴ معصوم" علیه " بیانیه" و تدوین کنندگان آن را شاهدیم. مساله فرقه گرایان خواست‌های مندرج در بیانیه‌ها و یا نقد سازنده و منصفانه آن‌ها نیست، تخریب و تحریف این پویش و جنبش است

۵

یکی از دلایل بخشی از مخالفت‌ها حسادت است. بله درست خواندید، تعجب نکنید، حسادت، وحسادت یکی از بنمایه‌های روانی و رفتاری فرقه گرائی است. حسادت فقط از ویژگی‌های روانی و رفتاری دوران کودکی و نوجوانی نیست، ما "حسادت پیرانه سر" هم داریم که خودشیفتگان فرقه گرا تابلوهای رنگین آن هستند. در برخورد با بیانیه و تدوین کنندگان آن، " هرگز نیاسودگی" حاسدان عمل کرده و می‌کند، که ایکاش از این پدیده روانی در راستای رقابتی سالم بهره می‌گرفتند. نمی‌خواهند و نمی‌توانند بپذیرند و باور کنند که " حلقه ای" از معلمان و افراد گمنام، با حرکتی شجاعانه نشان داده‌اند که دردل سرزمینمان زنان و مردان دلاوری مبارزه می‌کنند که با شجاعت عقلانی و مدنی توان در هم پیچیدن طومار رژیم اسلامی را دارند

۶

بیانیه ۱۴ کنشگر سیاسی و مدنی در داخل کشور آینه‌ای شده است برابر اپوزیسیون خارج از کشور، تا این اپوزیسیون سیمای واقعی خود را در آن ببیند. برخی خود را همانگونه که بود و نمودشان هست در این آینه به تماشا نشسته‌اند، فرقه گرایان اما آینه شکسته‌اند

زیرنویس:

"متن" بیانیه تکمیلی - ۱

، هموطنان گرامی "

ما چهارده تن، بی‌هیچ واژه و پروایی، جمهوری اسلامی را نظامی برآمده از قوانین استبدادی می‌دانیم و با نشانه رفتن دقیق مبانی و مظهر مفاسد این نظام که همانا «قانون اساسی» و جایگاه ولی فقیه و «رهبری»

است، خواستار مطالبات برحق خود و بخش وسیعی از مردم خویشیم
به بیانی واضح‌تر، ما با کلیت این حکومت و حاکمیت و همه نهادها و قوای آن مخالفیم و معتقدیم هیچ راهی
برای بازسازی و نوسازی این رژیم وجود ندارد

ما چهارده تن، در پی «گذار کامل» و مسالمت‌آمیز از این رژیم «ایران‌ویران‌کن»، و در پی برپایی
انتخاباتی آزاد هستیم

ما نیز در آرزوی برخورداری از حکومتی دموکراتیک و سکولار بوده که اعلامیه جهانی حقوق بشر سر
".... لوحه مجلس آینده‌اش برای تدوین و تبیین مدرنترین قانون اساسی عصر حاضر باشد

کمیتة حمایت" از کنشگران سیاسی و مدنی در داخل کشور (حسن اعتمادی، بهروز ستوده، مسعود نقره" - ۲
کار) منتخب اکثریت تدوین کنندگان و امضاء کنندگان " بیانیه ۱۴ نفر" هستند. برنامه تلویزیونی "رمز
پیروزی"، " صدای ۱۴ کنشگرسیاسی و مدنی داخل کشور" نیز به خواست اکثریت تدوین کنندگان و امضاء
کنندگان " بیانیه ۱۴ نفر"، صدای رسمی این عزیزان است

"مسعود نقره کار، واژه‌ای چند در باره" فرقه گرائی - ۳

"مسعود نقره کار " همه باهم، راه گذراز جمهوری اسلامی - ۴